



Assessing the levels of livability in informal settlements (Case study: Falahat neighborhood, Urmia city)

Mousavi, M.N.^{a,1}, Bayramzadeh, N.^b, Omidvarfar, S.^c, Kamel Nia, R.^d

^a Professor in Department of Geography and Urban Planning, Urmia University, Urmia, Iran.

^b M.A in Urban planning, Young Researchers and Elite Club, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz.

^c M.Sc. in Urban Planning and Regeneration, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

^d M.Sc. Student in Geography and Sacred Defense, Urmia University, Urmia, Iran.

Research Article

ABSTRACT

Objective: Informal settlements face many problems due to lack of proper planning, as they suffer from low service per capita and do not have space to spend their free time. The main purpose of this study is to assess the mental perception of people about the state of living needs and in general the levels of livability in Falahat neighborhood. This neighborhood has poor living conditions due to being marginalized.

Methods: The research method is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in nature, which has been collected in the form of documents and field surveys. Livability criterias in this study include social, economic and physical and environmental. The statistical population of this study is the residents of Falahat neighborhood of Urmia, which according to the health care center statistics in 1397, has a population of 15,000 people. The Cochran's formula was used for sampling and the sample size is 374, which was randomly distributed. Data analysis was performed quantitatively through statistical methods (one-sample t-test and Friedman test). The validity of the questionnaire was confirmed by experts and the reliability of the questionnaire was confirmed by Cronbach's alpha test with a value of 0.732.

Results: Findings show that in the social dimension of the three indicators of medical and health considerations and care, personal and social security and participation and solidarity, in the economic dimension of the index of consumer goods and in the physical and environmental dimensions of the facilities and services of infrastructure, pollution and environmental health, Landscape, green space and wasteland have a moderate level of livability. Also, social, economic, physical and environmental dimensions have the same ranking.

Conclusion: The results of the research show that the livability of Falahat neighborhood in Urmia is at a moderate level according to the three dimensions of social, economic and physical and environmental, which requires the adoption of empowerment strategies.

Keywords: Livability, Quality of Life, Sustainable Development, Informal Settlements, Urmia.

Received: November 16, 2020 Reviewed: July 21, 2021 Accepted: September 01, 2021 Published online: September 23, 2021

Citation: Mousavi, M.N., Bayramzadeh, N., Omidvarfar, S., Kamel Nia, R (2021). *Assessing the Levels of livability in Informal Settlements (Case Study: Falahat Neighborhood-Urmia)*. Journal of Urban Social Geography, 8(2), 203-222. (In Persian)

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2053](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2053)

¹ Corresponding author at: Urmia University, Urmia, Iran, P.c: 5719848375. E-mail address: M.Mousavi@urmia.ac.ir (Mousavi, M.N).



ارزیابی سطح زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: محله فلاح، شهر ارومیه)

میرنجف موسوی^a، نیما بایرام‌زاده^b، سجاد امیدوارفر^c، رویا کامل‌نیا^d

^a استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

^b کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی شهری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^c کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

^d دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و دفاع مقدس، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

مقاله پژوهشی

چکیده

تبیین موضوع: سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل رشد دیمی با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند به طوری که از سرانه‌های پایین خدماتی رنج می‌برند و فضایی برای گذران اوقات فراغت ندارند. هدف اصلی این پژوهش ارزیابی ادراک ذهنی افراد از وضعیت تأمین نیازهای زیستی و به‌طور کلی سطوح زیست‌پذیری در محله فلاح است. این محله به دلیل کم‌برخوردار بودن، شرایط زندگی نابسامانی دارد.

روش: روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد که به دو صورت اسنادی و برداشت میدانی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده است. مولفه‌های زیست‌پذیری در این پژوهش شامل مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و زیست‌محیطی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش اهالی محله فلاح است که طبق آمار پایگاه بهداشت در سال ۱۳۹۷، ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد. برای نمونه‌گیری از فرمول کوکران استفاده شده است که حجم نمونه ۳۷۴ نفر به‌دست‌آمده به‌صورت تصادفی در محدوده پخش گردیده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌صورت کمی و از طریق روش‌های آماری (آزمون t تک نمونه‌ای و فریدمن) انجام گرفته است. روایی پرسشنامه توسط متخصصین و پایایی پرسشنامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ با مقدار ۰/۷۳۲ تأیید شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشانگر این است که در بعد اجتماعی سه شاخص ملاحظاتی و مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی، امنیت فردی و اجتماعی و مشارکت و همبستگی، در بعد اقتصادی شاخص کالاهای مصرفی و در بعد کالبدی و زیست‌محیطی نیز شاخص‌های امکانات و خدمات زیربنایی، آلودگی و بهداشت محیطی، چشم‌انداز، فضای سبز و بایر دارای سطح متوسطی هستند. همچنین ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و زیست‌محیطی دارای رتبه‌بندی یکسانی می‌باشند.

نتایج: نتایج پژوهش نشانگر این است که وضعیت زیست‌پذیری محله فلاح ارومیه طبق سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و زیست‌محیطی در سطح متوسطی قرار دارد که این موضوع نیازمند اتخاذ راهکارهای توانمندسازی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: زیست‌پذیری، کیفیت زندگی، توسعه پایدار، سکونتگاه‌های غیررسمی، ارومیه.

دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۶ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱
استاد: موسوی، میرنجف؛ بایرام‌زاده، نیما؛ امیدوارفر، سجاد؛ کامل‌نیا، رویا (۱۴۰۰). *ارزیابی سطح زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: محله فلاح-ارومیه)*. *دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری*، ۸ (۲)، ۲۰۳-۲۲۲.

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2053](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2053)

مقدمه

طی قرون اخیر فضاهای شهری مکان اصلی کار و زندگی انسان‌ها شده‌اند. اگر در گذشته‌ای نه‌چندان دور، پدیده‌هایی استثنایی و کمیاب بودند، امروزه به مکان اصلی سکونت انسان و هنجار تبدیل شده‌اند (کلارک^۱، ۲۰۰۹). اهمیت مسائل محیط شهری هیچ‌گاه به‌اندازه امروز، نمایان نبوده است. اکنون پس از قرن‌ها، شهرها به‌عنوان مهم‌ترین ثمرات تلاش‌های تکنولوژیکی، هنری، فرهنگی و اجتماعی انسان به‌حساب می‌آیند (تیبالدز، ۱۳۹۳: ۱). چالش‌های زیادی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، شهرهای امروز را درگیر خودکرده است به‌طوری‌که روند افزایش جمعیت از یک‌سو و همچنین بالا رفتن میزان شهرنشینی، پیامدهای زیان‌باری را برای شهرها به وجود آورده است (ساسان پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۹). این امر بار زیادی بر دوش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی وارد می‌کند تا شهرها و محله‌هایی ایجاد کند که دارای انعطاف‌پذیری، سازگاری، توزیع عادلانه و سلامت و رفاه اجتماعی را حمایت کند (بدلند و پیرس^۲، ۲۰۱۹: ۹۴).

امروزه کیفیت زندگی تنها به خانه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه به محیط اطرافی و محیط وسیع‌تری که در آن زندگی می‌کنیم نیز مربوط است (اسکالیسکی و سرپس^۳، ۲۰۱۹: ۴۴) شهرها به‌عنوان وسیله‌ای در جهت زندگی پایدار انسان‌ها هستند که میان اولویت‌های زیست‌محیطی و شاخص‌های اقتصاد و فاکتورهای اجتماعی هماهنگی و تعادل ایجاد کنند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۹: ۲ به نقل از لیچ و همکاران^۴، ۲۰۱۷: ۸۰) مردم استانداردهای بالاتری از محیط و شهری که در آن زندگی می‌کنند را انتظار دارند. به همین دلیل، توجه به شاخص‌های زیست‌پذیری می‌تواند پاسخگوی بسیاری از معضلات مهم باشد (مهره‌کش و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۱۲). لازم به ذکر است که، یک طراحی خوب از یک فضای عمومی، بیشتر نیازهای مردم را برآورده می‌کند بنابراین پاسخگویی به نیازهای مردم و تطبیق با فعالیت‌های آن‌ها، هدف اصلی یک فضای عمومی خوب است (جلالدینی و اکتای^۵، ۲۰۱۲: ۶۶۶). در این راستا دستیابی به یک شهر زیست‌پذیر یکی از اهداف کلیدی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری است (باین‌حال، مفهوم زیست‌پذیری بسته به شیوه زندگی ساکنان، هنجارهای فرهنگی و فعالیت‌های روزمره قابل توصیف است (ایستریت و چن^۶، ۲۰۲۱: ۱).

به‌منظور رفع این چالش‌ها و در نتیجه افزایش کیفیت زندگی در شهرها و محلات شهری به برنامه‌ریزی بلندمدت، میان‌مدت و تصمیم‌گیری در زمینه حل این مشکلات بیش از هر زمان دیگری نیازمندیم (ویسی‌ناب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۸)، از این‌رو پرداختن به رویکردهای نوین شهری که در جهت رفع مشکلات فضاهای شهری، ارتقاء کیفیت و بهبود وضعیت کمی و کیفی وضعیت زندگی شهروندان به وجود آمده‌اند، پیش از پیش مهم است (حاتمی‌نژاد و محمدی کاظم‌آبادی، ۱۳۹۶: ۵۶). زیست‌پذیری به‌عنوان مفهومی که با واژگانی همچون، کیفیت زندگی، پایداری، مکانی باکیفیت بالا و اجتماعات سالم در ارتباط می‌باشد از محیطی به محیطی دیگر دارای مفاهیم متفاوت بوده که می‌توان از اهداف برنامه‌ریزی اجتماعی جهت به وجود آوردن شاخص‌های بومی زیست‌پذیری استفاده شود (نوریس و پیتمن^۷، ۲۰۰۰- بلاسینگیم^۸، ۱۹۹۸- محمدی استادکلایه و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۲) در واقع زیست‌پذیری، توان و قابلیت یک مکان در جهت تأمین نیازهای زیستی ساکنان اعم از مادی و غیرمادی در راستای ارتقاء کیفیت زندگی می‌باشد (محمدی ده چشمه، ۱۳۹۹: ۲۰۶). فضاهای شهری زیست‌پذیر در واقع اشاره به ایجاد مکان و فضایی مناسب برای فعالیت‌های مختلف

1. Clark

2. Badland & Pearce

3. Skalicky & Čerpes

4. Leach et al

5. Jalaladdini & Oktay

6. Istrate & Chen

7. Norris & Pittman

8. Blassingame

انسانی اعم از کار، تفریح، زندگی و ... دارد (محمدی ده‌چشمه، ۱۳۹۸: ۸۲) به‌طور کلی زیست‌پذیری را می‌توان راهی برای رسیدن به توسعه پایدار در نظر گرفت که از محلات زیست‌پذیر به شهر زیست‌پذیر می‌رسد (پریزادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴).

امروزه حاشیه‌نشینی به‌عنوان یکی از مشکلات اصلی بسیاری از شهرهای جهان می‌باشد. از علل اصلی نزول کیفیت زندگی و برهم زنده تعادل اجتماعی در شهرها می‌توان سکونت‌گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی را نام برد. این پدیده یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی، ناامنی محیطها و فضاهای جمعی می‌باشد به صورتی که باعث تباه شدن سلامتی و نشاط در زندگی روزمره شهرنشینان می‌باشد و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی - اجتماعی و مشارکت عمومی، هزینه‌های بسیاری را بر جامعه تحمیل می‌کند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۷). روش‌های مقابله‌ای و ستیزه‌جویانه با سکونتگاه‌های غیررسمی شیوه درستی برای رفع معضلات و مشکلات این سکونتگاه‌ها نبوده و توجه به ابعاد زیست‌پذیری در این مناطق و پیاده کردن اصول توسعه پایدار به همراه مشارکت افزایشی می‌تواند در راستای رفع مشکلات این مناطق مثر ثمر واقع گردد، زیرا رویکرد زیست‌پذیری ضمن طرح مساله، می‌تواند برنامه‌ای به‌سوی داشتن شهر و محله‌ای مطلوب ارائه دهد (برزگر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

در عصر حاضر شهرهای جهان سوم و درحال توسعه با مسائل و مشکلات متنوعی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مواجه هستند (برزگر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۸) در این بین در کشور ایران نیز به دلیل مهاجرت‌های عظیم به‌سوی شهرها و رشد شتابان جمعیت و در پی آن توزیع نامتوازن جمعیت در فضاهای شهری باعث به وجود آمدن مناطق شهری تحت عنوان سکونت‌گاه‌های غیررسمی، حاشیه‌نشین و کم‌برخوردار شده است. ساکنین این محله‌ها در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. به‌طوری‌که جاذبه‌های شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به‌سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشد. این امر لزوم توجه به نیازهای ساکنین از جمله خدمات شهری را دوچندان می‌کند. به‌طور کلی کلی زمانی که ساکنین این سکونت‌گاه‌ها دچار درد، رنج و محرومیت زیاد می‌شوند، احساس می‌کنند نسبت به انجام امورات ضعیف هستند و نسبت به این وضع دچار عصبانیت می‌شوند که در قالب آسیب‌های اجتماعی در مراتب شهری از محله به منطقه و سپس به شهر رواج پیدا می‌کند. محله فلاحت ارومیه نیز یکی از این سکونت‌گاه‌های کم‌برخوردار شهر ارومیه می‌باشد که به دلیل کم‌برخورداری و حاشیه‌نشین بودن مستعد جذب آسیب‌های اجتماعی گوناگونی می‌باشد این محله دارای دسترسی نامناسب به فضاهای فرهنگی، سبز، ورزشی و تفریحی می‌باشد که نشانگر عدم رعایت عدالت فضایی در توسعه این فضای شهری می‌باشد این امر میزان احساس محرومیت را در بین ساکنین این محله افزایش می‌دهد. بنابراین به نظر مهم می‌رسد تا با ارزیابی سطوح مولفه‌های زیست‌پذیری در این محله و ارائه راهکارهای توانمندسازی بتوان از ایجاد آسیب‌های آتی جلوگیری کرد. با توجه به کمبود سرمایه‌های مادی و معنوی مدیریت شهری در جهت بهبودی وضعیت سکونتگاه‌های کم‌برخوردار و از طرفی تعدد تعداد این سکونتگاه‌ها و مسائل و مشکلات آن‌ها، هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی ادراک ذهنی افراد از وضعیت تأمین نیازهای زیستی و به‌طور کلی سطوح زیست‌پذیری در محله کم‌برخوردار فلاحت می‌باشد. تا بتوان بر اساس وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری و نظر ساکنین محله در این فضای کم‌برخوردار شهری به ارائه راهکارهای توانمندسازی پرداخت. سوال اصلی پژوهش «آیا محله فلاحت یک محله زیست‌پذیر می‌باشد؟» است. از نوآوری‌های این پژوهش در حوزه قلمرو مکانی می‌توان به دلیل پیچیده و چندبعدی بودن فضاهای شهری، به قلمرو مکانی متفاوت با سایر پژوهش‌ها اشاره نمود به‌طوری‌که پژوهش در این محله صورت نگرفته است. در حوزه بازه زمانی نیز به دلیل وجود شرایط کرونایی حاکم بر جامعه به نظر می‌رسد تغییراتی در نتایج پژوهش ایجاد نماید. همچنین در حوزه روش تحقیق نیز به دلیل استفاده از

آزمون فریدمن اشاره کرد که با رتبه‌بندی شاخص‌ها در جهت بهبود وضعیت کم‌رتبه‌ترین شاخص راهکارهایی ارائه می‌گردد.

پیشینه نظری

در اثر تشدید نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی میان شهر و روستا که در سال‌های اخیر رخ داده است، شهر به‌عنوان پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین جلوه‌های زندگی بشری (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱۷) بیش‌ازپیش جاذب مهاجران شده است به‌طوری‌که اغلب این مهاجران زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی و محله‌های فقیرنشین را بر زندگی روستایی خود ترجیح می‌دهند (رجایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۰) این محله‌ها، مکان‌های زندگی غیررسمی و غیرمستعمل و نامتعارف شهری می‌باشند که نشان از مدیریت ضعیف و برنامه‌ریزی فضایی- منطقه‌ای و فضایی بیمارگونه‌ای از اقتصاد و همچنین معلول بی‌عدالتی‌های اقتصادی- اجتماعی در مقیاس ملی، استانی و محلی هستند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۷۵) به عبارتی رشد پدیده فقر شهری و گسترش شکاف طبقاتی در شهرهای بزرگ، موجب گردیده است که اقشار فقیر و کم‌توان در شکل اجتماعات محلی در مکان‌های جغرافیایی خاص تشکیل می‌شوند که از مسیر کلی پیشرفت کنار مانده و به عبارتی به حاشیه طردشده‌اند (تولایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). نحوه زندگی در اسکان‌های غیررسمی با استانداردهای زندگی شهری تفاوت بسیاری دارد به‌طوری‌که کیفیت زندگی در این مناطق بسیار پایین‌تر از استانداردها بوده و جز محلات ناپایدار محسوب می‌گردند (مؤمن‌پور علی‌آباد و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۷: ۶۸۰) از مهم‌ترین ویژگی‌های مثبت این سکونتگاه‌ها می‌توان به مواردی نظیر مکان جغرافیایی ثابت، الگوی مشترک حاکم بر روابط اجتماعی و اقتصادی، منافع مشترک ساکنین، تجانس گروهی و همبستگی بالای ساکنین در مواجهه با مشکل و مسائل مشترک و همچنین قدرت کنترل یکدیگر اشاره کرد (حبیبی و گرامی، ۱۳۹۷: ۱۶۵).

در ایران سکونتگاه‌های غیررسمی پدیده‌ای تلقی می‌شود که در طول ۷۰ سال گذشته در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ پدیدار گشته است. به‌گونه‌ای که بر اساس آمار ارائه‌شده در سال ۱۳۹۳، حدود ۲۵ درصد جمعیت شهرنشین ایران در سکونتگاه‌های غیررسمی به‌گذران زندگی می‌پردازند (مختاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵) این اسکان‌های غیررسمی، به شکلی خودرو و بدون مجوز و فاقد هرگونه برنامه‌ریزی رسمی، با تجمعی از افراد با درآمد و سطح کیفیت زندگی پایین شکل گرفته‌اند و با عناوینی همچون اسکان غیررسمی، حاشیه‌نشینی، اجتماعات آونکی شناخته‌شده‌اند که در راستای شکست سیاست‌ها در راستای تأمین سرپناه و مسکن برای اقشار کم‌درآمد به وجود آمده‌اند (شیبانی مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۳).

در این بین رویکردهای نوین شهرسازی نظیر رویکرد زیست‌پذیری در راستای بهبودی وضعیت زندگی در سکونتگاه‌ها به وجود آمده‌اند. مفهوم شهرهای زیست‌پذیر برای نخستین بار در سال ۱۹۷۰ توسط اداره ملی هنرها در جهت رسیدن به ایده‌های برنامه‌ریزی شهری موردنظر آنان و به دنبال آن توسط سایر مراکز و سازمان‌های تحقیقاتی مانند اداره حفاظت محیطی که پژوهش‌های بسیاری در رابطه با زیست‌پذیرترین شهرهای ایالت متحده آمریکا انجام داده است، مورد استفاده قرار گرفت (جعفری اسدآبادی، ۱۳۹۲: ۷۹). اولین بار در سال ۱۹۸۱ مفهوم زیست‌پذیری در عنوان «خیابان‌های زیست‌پذیر» توسط دانلد اپلیارد مطرح گردید، اپلیارد به همراه آلن جیکوبز هفت هدف مهم را برای آینده یک محیط خوب شهر عنوان نمود که هدف اول زیست‌پذیری بود (بندرآبادی و شاهچراغی، ۱۳۹۰: ۵۰). زیست‌پذیری شهری با اشاره به جنبه‌هایی در افزایش کیفیت زندگی نقش دارد به‌طوری‌که این افزایش کیفیت در جهت بهبود شیوه زندگی و شرایط بهداشتی تأثیر خواهد داشت که این بهبود، میزان پایداری محیط را افزایش خواهد داد (موسوی و

همکاران، ۱۳۹۶: ۳ به نقل از شمس‌الدین و همکاران^۱، ۲۰۱۲: ۱۶۷). این موضوع باعث تمایل بیشتر شهروندان به حضور فعال و پویا در محیط‌های شهری می‌گردد (خراسانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۱) از سوی دیگر زیست‌پذیری به‌عنوان یک مفهوم می‌تواند با توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می‌گردد، بسیار ساده و یا مشکل باشد با این‌وجود کیفیت زندگی در هر مکان موردتوجه این مفهوم قرار دارد و شامل نماگرهای قابل‌اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً اجزای تشکیل‌دهنده آن شامل تراکم، حمل‌ونقل، امنیت و پایداری می‌شود (پروگوردو مادرید^۲، ۲۰۰۷: ۴۰). با این‌حال، محققان و پژوهشگران در رابطه با تعریف یکسان از زیست‌پذیری اجماع نظر ندارند به‌طوری‌که مفهوم آن متناسب با ارزش‌های متغیر اجتماعی تغییر می‌کند (علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۶ به نقل از اوبرلینک^۳، ۲۰۰۸). زیست‌پذیری برای سیاست‌گذاران و مدیران شهری نیز مهم تلقی می‌شود به‌طوری‌که شهرهای زیست‌پذیر تاجران و کارگران خوبی را جذب خود می‌کنند، این امر به دلیل خدمات و فعالیت‌های تجاری، کلید توسعه شهری می‌باشد (اوکولیک^۴، ۲۰۱۲: ۲). ارزیابی زیست‌پذیری در هر شهری با نحوه و میزان مشارکت شهروندان آن شهر در تصمیم‌گیری برای برآوردن نیازهای خود تعیین می‌گردد (بندراآباد، ۱۳۹۹: ۱۵۲). در چنین زمینه‌ای پایداری عبارت است از توانایی تقویت کیفیت زندگی که می‌تواند برای آن ارزش قائل شد (تایمر و سیمار^۵، ۲۰۰۵: ۲). به‌طوری‌که انسان و محیط دو جهت مفهوم زیست‌پذیری می‌باشند، ولی معیارهای زیست‌پذیری اکثراً به ارزیابی صرف قلمرو و مکان می‌پردازد و نه اشخاص (لاریس^۶، ۲۰۰۵: ۷). به‌طورکلی زیست‌پذیری به سیستم شهری اطلاق می‌گردد که با استفاده از اصول کلیدی عدالت، دسترسی، کرامت، توانمندسازی، تعامل و مشارکت به ارتقاء خوشبختی ذهنی، اجتماعی و فیزیکی ساکنانشان بپردازد (رشیدی ابراهیم حصاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۸ به نقل از سانگ^۷، ۲۰۱۱: ۳).

پیشینه عملی

در این رابطه پژوهش‌های گوناگونی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است به‌طوری‌که در پژوهش‌های داخل کشور، خراسانی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله «تحلیل تأثیر متغیرهای فردی بر ادراک از زیست‌پذیری در روستاهای پیرامون شهر» اشاره کرده‌اند که افراد به لحاظ ویژگی‌های توصیفی، سن و میزان تحصیلات دارای نگرش‌های یکسان نسبت به برطرف شدن نیازهای زیستی دارند. مهرنجانی و همکاران (۱۳۹۵)، اشاره کرده‌اند که زیست‌پذیری به دلیل وابستگی مستقیم به شرایط مکانی، زمانی و از همه مهم‌تر بستر اجتماعی-اقتصادی و مدیریتی جامعه هدف دارای تعریف، اصول و معیارهای یکسان نمی‌باشد. ساسان‌پور و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله «قابلیت سنجی زیست‌پذیری مناطق شهری ارومیه با مدل رالسی» با توجه به مدل استفاده شده در این پژوهش، چهار بعد کالبدی-زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سلامت در شهر ارومیه مورد ارزیابی قرار گرفته و بر اساس نتایج این پژوهش نشانگر عدم زیست‌پذیری شهر ارومیه می‌باشد. برزگر و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله «تحلیل سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد زیست‌پذیری (مورد مطالعه: محلات غیررسمی شهر زنجان)» اشاره کرده است که اسکان غیررسمی به‌عنوان معلولی کالبدی فضایی ناشی از ساختار ناهنجار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که با سرعت بسیار زیادی در شهرها ظاهر می‌شود و زندگی سالم و پایدار شهری را به چالش می‌کشد در این راستا باید رویکرد زیست‌پذیری را توأمان از دو بعد عینی (ابژکتیو) و ذهنی (سابژکتیو) بررسی نمود همچنین تأثیر بعد کالبدی بیشتر از سایر ابعاد بر وضعیت حاکم در محله‌ها

1. Shamsuddin et al

2. Perogordo madrid

3. Oberlink

4. Okulicz

5. Timmer & Seymoar

6. Larice

7. Song

بر رویکرد زیست‌پذیری دارد. مؤمنی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله «اثرات حکمروایی خوب بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های پیراشهری در دهستان آدران» اشاره کرده‌اند که بین شاخص‌های حکمروایی خوب و زیست‌پذیری رابطه قوی برقرار است. پوراحمد و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله «تحلیل فضایی آثار حکمروایی مطلوب بر زیست‌پذیری شهری مطالعه موردی: کانون‌های جرم خیز مناطق ۱۱ و ۱۲ شهر تهران» اشاره کرده‌اند که بین شاخص‌های حکمروایی خوب شهری و زیست‌پذیری شهری رابطه ضعیف تا متوسطی وجود دارد. دوبران (۱۳۹۹)، در مقاله «سنجش زیست‌پذیری بافت‌های شهری با تأکید بر پایداری اجتماعی (مطالعه موردی: محلات اسکان غیررسمی شهر همدان)» اشاره کرده است که در محلات شهر همدان شاخص‌های پایداری اجتماعی زیست‌پذیری در بعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی با توجه به سطح دسترسی به خدمات و رضایت از خدمات ارائه شده شکاف پایین‌تری دارد.

در پژوهش‌های خارج از کشور نیز، داگلاس و همکارانش (۲۰۰۶)، مفهوم شهر زیست‌پذیر را شهر انسان‌محور تلقی می‌کنند به طوری که با فضاها و شهرهای صرفاً یک فضای مصنوع نبوده، که آن مامن ساکنانش خواهد بود که به محل سکونت، فرهنگی، شغل و زیستن خود مباحث می‌کنند. کندی و بای^۱ (۲۰۱۰)، معتقدند که مفهوم زیست‌پذیری با عبارت‌هایی نظیر: رفاه جامعه، تعریف می‌شود و معرف ویژگی‌هایی است که یک مکان را به جایی تبدیل می‌کند که همواره مردم، تمایل دارند در آن زندگی کنند. نوروزیان ملکی و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، در مقاله «مقایسه زیست‌پذیری محله‌ای توسط دو گروه از ساکنان: تهران، ایران و تارتو، استونی» اشاره کرده‌اند که میزان زیست‌پذیری محله‌ها به طور مثبت تحت تأثیر تناسب و مقیاس فضاها، میزان فضای سبز خصوصی، شخصیت خیابان، میزان سرسبزی عمومی، تنوع فرم ساختمان، ترکیب ساختمان‌ها در دوره‌های مختلف، شلوغی ادراک شده و اجتماعی است. همچنین نتایج نشانگر این بود که ساکنان می‌توانند عوامل را ارزیابی و درک کنند. غازی و عباس^۳ (۲۰۱۹)، در مقاله «به سوی خیابان‌های تجاری زیست‌پذیر: مطالعه موردی خیابان داخلی الکرادا در بغداد» چک لیستی ارائه نموده‌اند که این چک لیست به عنوان یک چارچوب جامع برای ارائه اطلاعات موردنیاز، تشخیص مشکلات و شناسایی نقاط قوت و ضعف عملکرد یک خیابان تجاری برای افزایش زیست‌پذیری است. بدلند و پیرس (۲۰۱۹)، در مقاله «قابل زندگی برای چه کسی؟ چشم‌اندازهای زیست‌پذیری شهری برای رسیدگی به سلامت نابرابری‌ها» اشاره کرده‌اند که محله‌های محروم‌تر و ساکنان آن‌ها ملاحظات سیاست و طراحی بیشتری برای بهینه‌سازی نتایج رویکرد زیست‌پذیری دارند، به ویژه اینکه تغییرات در محیط زمینه‌ای ممکن است از طریق جابجایی و یا افزایش اثرات بر ترکیب محله نیز تأثیر بگذارد. خومنکو و همکاران^۴ (۲۰۲۰)، در مقاله «آیا شهر قابل زندگی شهری سالم است؟ اثرات بهداشتی برنامه‌ریزی شهری و حمل‌ونقل در وین، اتریش». اشاره کرده‌اند که در جهت بهبود وضعیت زیست‌پذیری با ترویج حمل‌ونقل عمومی فعال و سبز شدن شهرها، فضا برای سایر شاخص‌ها نظیر بهداشت محیطی و عدالت به وجود می‌آید. هوپر و همکاران^۵ (۲۰۲۰)، در مقاله «زندگی زیست‌پذیر؟» اشاره کرده‌اند که جوامع جدید حومه‌ای که مطابق با سیاست "محله‌های زیست‌پذیر" ساخته شده‌اند، می‌توانند رفتارهای حمایتی بهداشتی و پیامدهای رفاهی از جمله حمل‌ونقل و پیاده‌روی تفریحی را تشویق کرده و محله‌هایی با احساس قوی‌تری از اجتماع ایجاد کنند که در آن ساکنان احساس امن‌تری می‌کنند. پاوول و سن^۶ (۲۰۲۰)، در مقاله «مروری انتقادی بر رویکردهای زیست‌پذیری و ابعاد آن‌ها» طبق مقایسه رویکردهای زیست‌پذیری در مطالعات شهری به این نتیجه رسیده‌اند که شکافی بین رویکردهای زیست‌پذیری در شهرهای جهانی در نقاط مختلف جهان وجود دارد.

1. Kennedy & Buys

2. Norouzian Maleki et al

3. Ghazi & Abaas

4. Khomenko et al

5. Hooper et al

6. Paul & Sen

در رابطه با معیارهای زیست‌پذیری مولفه‌های گوناگونی وجود دارند به طوری که چارلز لاندری؛ در تحقیقی تحت عنوان "سرزندگی شهری: منبع جدیدی از رقابت شهری"، بر نه معیار موثر برای شناسایی یک شهر زیست پذیر اشاره می‌کند که دسترسی، تراکم اصولی جمعیت، تنوع، هویت و تمایز، خلاقیت، ایمنی و امنیت، ارتباط و تشریک‌مسانی، ظرفیت سازمانی و رقابت را شامل می‌شود (لاندری^۱، ۲۰۰۰: ۴). در این راستا به بررسی پژوهش‌های صورت گرفته داخلی و خارجی در موضوع زیست‌پذیری پرداخته شده است که نتایج این بررسی در جدول (۱) نشان داده شده است:

جدول ۱- ابعاد و شاخص‌های سنجش زیست‌پذیری

منبع	مؤلفه‌های زیست‌پذیری	نظریه پرداز
Mercer, 2019	فضای سیاسی و اجتماعی، محیط اقتصادی، محیط اجتماعی-فرهنگی، ملاحظات پزشکی و بهداشتی، مدارس و تحصیلات، خدمات عمومی و حمل‌ونقل، تفریح، کالاهای مصرفی، مسکن.	مرسر
Elliott, 2008	کاربری‌های منطقی‌تر، کاربری‌های مختلط، مسکن‌سازی باقیمت مناسب، استانداردهای کامل برای نواحی، زندگی کردن با ناهمگونی‌ها، ضوابط پویا برای توسعه ساخت‌وساز، مذاکره برای ساخت‌وسازهای وسیع، غیرسیاسی کردن تصویب نهایی طرح‌ها، سازمان‌دهی بهتر شبکه، نگهداری به صورت زمان‌بندی شده.	الیوت
Economist, 2005	تعالی مادی، سلامتی، ثبات سیاسی و امنیت، زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی، اقلیم و جغرافیا، امنیت شغلی، آزادی سیاسی و برابری جنسیتی.	اکنومیست
حیدری و همکاران، ۱۳۹۶	وجود جامعه مدنی، همستان‌های محلی و سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌ها.	ایوانز
حیدری و همکاران، ۱۳۹۶	حریم امن، یک همستان، یک مکان تاریخی، مکانی برای بازی کردن، فضاهای سبز، محیطی سالم و بهداشتی، قلمرو همسایگی.	اپلیارد
بندرآبادی ۱۳۹۹	بستر طبیعی، الگوهای تاریخی، سیاست‌ها، ارزش‌ها، فعالیت، اقتصادی شهری.	بندرآبادی
علی‌اکبری و همکاران ۱۳۹۹	امنیت شهری، تسهیلات و امکانات عمومی، محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگی، حمل‌ونقل مناسب، بهداشت محیط.	علی‌اکبری و همکاران
مومنی و همکاران ۱۳۹۹	امنیت فردی و اجتماعی، اوقات فراغت و تفریحات، آموزش عمومی، مشارکت و همبستگی، کیفیت حمل‌ونقل، کیفیت مسکن، خدمات زیربنایی، بهداشت معابر، چشم‌انداز، وضعیت فضای سبز، درآمد، اشتغال.	مومنی و همکاران
پوراحمد و همکاران ۱۳۹۹	سیاسی و مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی.	پوراحمد و همکاران
پریزادی و همکاران، ۱۳۹۸	ارزش‌ها و هنجارها، خدمات فعالیت‌ها و امکانات شهری، عوامل محیطی و زیست‌محیطی، اقتصادی شهری، مدیریت شهری، الگوی تاریخی.	پریزادی و همکاران
پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۸	درآمد و اشتغال، آلودگی، آموزش عمومی، حمل‌ونقل و ترافیک، اوقات فراغت، مسکن، کیفیت بصری، کیفیت فضای سبز، مشارکت.	پوراحمد و همکاران
برزگر و همکاران، ۱۳۹۸	زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی.	برزگر و همکاران
ماجدی و بندرآباد ۱۳۹۳	سرزندگی، هویت، محیط کالبدی سازگار، دسترسی، مشارکت، برابری اجتماعی، تاب‌آوری.	ماجدی و بندرآباد

با توجه به موارد ارائه شده در بخش پیشینه نظری و عملی پژوهش موضوع زیست‌پذیری به عنوان یکی از رویکردهای نوین حوزه شهری در جهت افزایش کیفیت فضای شهری ارائه گردیده است به طوری که با ارزیابی شاخص‌هایی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و غیره درصد شناسایی موانع و مشکلات شهری بوده تا در راستای رفع آن‌ها کیفیت فضا را افزایش دهد. در این بین موضوع سکونتگاه‌های غیررسمی و یا به عبارتی کم‌برخوردار و نابرخوردار به عنوان یکی از مشکلات حاد مدیریت شهری، در صورت عدم رسیدگی و توانمندسازی می‌تواند به عنوان

¹. Landry

جزایر آسیب با باز پراکنی آسیب‌های اجتماعی به سایر مناطق شهری به تولید مشکلات و آسیب‌های متنوعی منجر شود. امروزه به دلیل هزینه‌های بالای احداث کاربری‌های موردنیاز محلی می‌توان با بهره‌گیری از رویکرد زیست‌پذیری درصدد شناسایی و اولویت‌بندی مسائل این محله‌ها اقدام نمود و با استفاده از سرمایه‌های اجتماعی درون محله‌ای در راستای رفع آن‌ها قدم برداشت.

داده‌ها و روش‌شناسی

روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد که به دو صورت اسنادی و برداشت میدانی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه و فیش‌برداری می‌باشد. در ابتدا برای دریافت مفهوم واژه زیست‌پذیری و سکونت‌گاه‌های غیررسمی از منابع معتبر علمی نظیر کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات علمی پژوهشی استفاده شده است تا پیشینه پژوهشی و مبانی نظری لازم جمع‌آوری شود سپس به برداشت میدانی از محدوده موردنظر پرداخته شده است تا اطلاعات جامع و کاملی از محدوده موردنظر به دست آید. جامعه آماری این پژوهش ساکنین محله فلاحت شهر ارومیه می‌باشد که طبق آمار پایگاه بهداشت این محله در سال ۱۳۹۷، این محله ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته‌است. برای نمونه‌گیری از فرمول کوکران استفاده شده است که برای این محله حجم نمونه ۳۷۴ نفر به دست آمده است که به صورت تصادفی در محدوده مورد مطالعه پخش گردیده است. بر اساس پیشینه عملی پژوهش مولفه‌های زیست‌پذیری مورد استفاده در این پژوهش شامل مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و زیست‌محیطی می‌باشد این مولفه‌ها می‌توانند وضعیت موجود سکونتگاه‌ها و نقاط شهری را به صورت تطبیقی نشان دهند و بر اساس خدمات ارائه شده آن‌ها را رتبه‌بندی نمایند. شاخص‌ها و گویه‌های مورد استفاده در این پژوهش جدول شماره ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲- مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیست‌پذیری

تعداد گویه	تعداد گویه	شاخص‌ها	ابعاد
۵	فضاهای آموزشی مناسب و کافی، کیفیت دسترسی دانش‌آموزان و دانشجویان به مدارس و دانشگاه‌ها، کیفیت تجهیزات آموزشی، کیفیت ساختمان آموزشی، کیفیت تدریس معلمان و اساتید.	آموزش عمومی	اجتماعی
۵	کیفیت دسترسی به کتابخانه‌ها، کیفیت دسترسی به اماکن فرهنگی و مذهبی، تعداد اماکن مذهبی و فرهنگی، کیفیت دسترسی به سینماها، تعداد فضاهای تفریحی و فراغتی.	تفریحات و اوقات فراغت	
۸	تعداد درمانگاه‌ها و مراکز بهداشت، کیفیت خدمات پزشکی و بهداشتی، کیفیت بهداشت فردی و عمومی، کیفیت دسترسی به مراکز بهداشتی، کیفیت مراقبت‌های بهداشت عمومی، تعدد داروخانه، کیفیت دسترسی به داروخانه، کیفیت عملکرد اورژانس.	ملاحظات و مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی	
۵	امنیت تردد در شبانه‌روز، امنیت تردد زنان و دختران در شبانه‌روز، تعدد مراکز نظامی و انتظامی، کیفیت دسترسی به مراکز نظامی و انتظامی، کیفیت امنیت اجتماعی محله.	امنیت فردی و اجتماعی	
۶	تمایل به زندگی در محله، تمایل به سرمایه‌گذاری در محله، کیفیت روابط همسایگان و بستگان با یکدیگر، میزان تعلق به مکان، امیدواری به بهبود شرایط زندگی، برگزاری مراسم و آیین‌های مذهبی و فرهنگی.	پیوستگی و تعلق مکان	
۵	میزان احترام به یکدیگر، میزان اعتماد اهالی محله به شورای شهر و شهرداری، روحیه کار گروهی در بین شهروندان، میزان ارتباط شهروندان با شورای شهر و شهرداری، حضور مردم در پروژه‌های عمرانی محله.	مشارکت و همبستگی	
۴	تعداد فرصت‌های شغلی، داشتن شغل مناسب، درآمد مناسب و کافی، امکان دسترسی به شغل مناسب.	اشتغال و درآمد	اقتصادی
۴	تعداد اتاق‌های کافی در محله، مساحت مناسب مسکن، استحکام بنای مسکن، در دسترس بودن مساکن با کیفیت مناسب.	مسکن	
۳	کیفیت مصرف مواد غذایی، کیفیت دسترسی به کالاهای خدماتی (پوشاک، لوازم برقی و ...)، میزان مصرف انرژی.	کالاهای مصرفی	
۶	کیفیت شبکه معابر، کیفیت شبکه (آب، برق، گاز، تلفن و اینترنت)، کیفیت خدمات اداری محلی،	امکانات و خدمات زیربنایی	کالبدی و

زیست محیطی	کیفیت دسترسی به ادارات درون شهری، کیفیت دسترسی به میدان‌ها میوه و تره‌بار، کیفیت پیاده‌راه‌ها.
حمل و نقل عمومی	تعدد حمل و نقل عمومی، کیفیت دسترسی به حمل و نقل عمومی، کیفیت حمل مسافر.
آلودگی و بهداشت محیطی	کیفیت دفع آب‌های سطحی، کیفیت از بین حیوانات موذی، کیفیت هوا، کیفیت جمع‌آوری فاضلاب، کیفیت جمع‌آوری زباله، آلودگی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و کارگاهی.
چشم‌انداز	کیفیت ابنیه ساختمان‌های محله، کیفیت منظر طبیعی محله، کیفیت مناسب معابر و خیابان‌ها، وجود نشانه‌ها و نمادهای تاریخی و فرهنگی.
فضای سبز و بایر	تعداد فضای سبز و بوستان‌ها، کیفیت فضای سبز، کیفیت دسترسی به فضای سبز، کیفیت فضاهای بازی کودکان.

روایی پرسشنامه توسط ۱۵ نفر از متخصصین رشته شهرسازی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری ارزیابی و مورد تأیید قرار گرفته است. برای بررسی پایایی پرسشنامه تعداد ۴۰ عدد از پرسشنامه‌ها تکمیل و از طریق آزمون آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS مورد ارزیابی و نتایج این آزمون برای هر یک از شاخص‌ها در جدول (۳) نشان داده شده است:

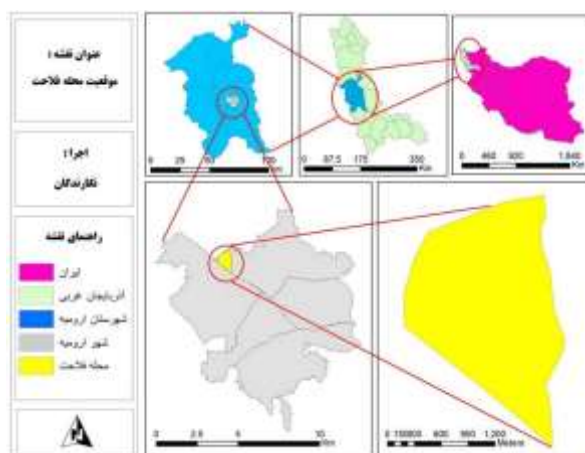
جدول ۳- آزمون آلفای کرونباخ

ابعاد	تعداد نمونه	ضریب آلفای کرونباخ
اجتماعی	۴۰	۰/۸۱۴
اقتصادی	۴۰	۰/۷۰۲
کالبدی و زیست محیطی	۴۰	۰/۷۶۰
کلیه ابعاد	۴۰	۰/۷۳۲

با توجه به جدول (۳) و نتایج آزمون آلفای کرونباخ، برای هر یک از ابعاد بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که نشانگر پایایی بالای پرسشنامه می‌باشد. در این پژوهش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت کمی انجام گرفته است که در این راستا از روش‌های آماری نظیر آزمون t تک نمونه‌ای و فریدمن استفاده شده است. در جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است و در نهایت بر اساس نظر ساکنین محله و رتبه‌بندی مولفه‌های زیست‌پذیری در این محله راهکارهای توانمندسازی ارائه شده است.

قلمرو پژوهش

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، محله فلاحت در شهر ارومیه می‌باشد که در قدیم به عنوان روستای فلاحت به معنای مکانی برای کشاورزی نام برده می‌شد. محله فلاحت (شکا ۱) با مساحتی بالغ بر ۷۸ هکتار در منطقه ۲ شهر ارومیه و در شمال غربی این شهر قرار گرفته است. طبق آمار پایگاه بهداشت این محله در سال ۱۳۹۷، این محله ۱۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته است. این محله طبق آخرین پایگاه داده مکانی سیستم اطلاعات جغرافیایی به سال ۱۳۹۵ شهرداری دارای ۱۲۰۷ پارسل که شامل کاربری‌های مسکونی، آموزشی، تجاری، مختلط (تجاری-مسکونی)، مذهبی می‌باشد. و در حال حاضر جزء محلات کمتر برخوردار و مسئله‌دار ارومیه محسوب می‌شود. این محله دارای قدمت و پیشینه کهن می‌باشد و همچنین به لحاظ زیرساخت‌های شهری، اقتصادی، حقوق شهروندی، اجتماعی، بهداشتی، زیست محیطی در سطح پایینی قرار دارد که این شرایط باعث بر نزل تدریجی کیفیت زندگی در محدوده مورد نظر شده است. اقتصاد این محله بیشتر بر بازار غیررسمی متکی بوده و اغلب ساکنان این محله در مشاغل چون دست‌فروشی و کارگری مشغول به کار هستند.

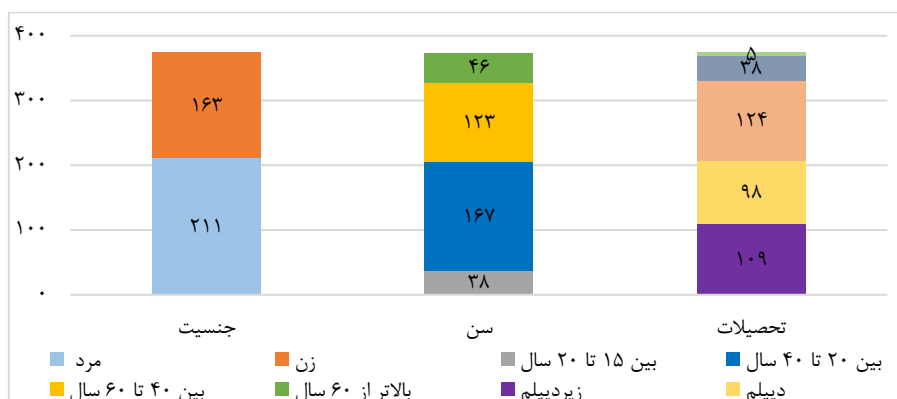


شکل ۱- موقعیت محله فلاحت (ترسیم: نگارندگان)

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

بعد از ارزیابی روایی و پایایی، پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در محدوده محله تکمیل شده‌اند و سعی بر این بوده تا در کل محله پرسشنامه‌ها تکمیل گردند تا ذهنیت کل ساکنین محله ارزیابی گردد. در ابتدا به ارزیابی ویژگی‌های جمعیتی پرسشنامه پرداخته می‌شود که در شکل (۲) نشان داده شده است:



شکل ۲- ویژگی‌های جمعیتی

با توجه به شکل (۲)، از ۳۷۴ نفر، ۲۱۱ نفر مرد و ۱۶۳ نفر زن بودند. ۳۸ نفر بین ۱۵ تا ۲۰ سال، ۱۶۷ نفر بین ۲۰ تا ۴۰ سال، ۱۲۳ نفر بین ۴۰ تا ۶۰ سال و ۴۶ نفر نیز بالاتر از ۶۰ سال سن داشتند. ۱۰۹ نفر زیر دیپلم، ۹۸ نفر دیپلم، ۱۲۴ نفر فوق لیسانس و ۵ نفر دارای تحصیلات مقاطع بالاتر داشتند. دلیل پایین بودن مشارکت زنان عدم حضور پذیری آن‌ها در کوی و برزن‌های محله بوده و همچنین به دلیل مهاجرت از نقاط روستایی به این محله و کم‌برخورداری این محله سن افراد پایین بوده و میزان تحصیلات پایین می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

در راستای ارزیابی ابعاد زیست‌پذیری، به ارزیابی شاخص‌ها و گویه‌های آن پرداخته شده است. به طوری که در بعد اجتماعی شاخص‌های آموزش عمومی، تفریحات و اوقات فراغت، ملاحظات و مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی، امنیت

فردی و اجتماعی، پیوستگی و تعلق مکان، مشارکت و همبستگی و تعداد ۳۴ گویه در بعد اقتصادی شاخص‌های اشتغال و درآمد، مسکن، کالاهای مصرفی و تعداد ۱۱ گویه و درنهایت بعد کالبدی و زیست‌محیطی با شاخص‌های امکانات و خدمات زیربنایی، حمل‌ونقل عمومی، آلودگی و بهداشت محیطی، چشم‌انداز، فضای سبز و بایر و تعداد ۲۳ گویه توسط ساکنین محله مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در جهت ارزیابی شاخص‌ها از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است که برای مقدار متوسط عدد ۳ در نظر گرفته شده است. در مرحله اول شاخص‌های بعد اجتماعی توسط این آزمون مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج این آزمون در جدول شماره ۴ نشان داده شده است:

جدول ۴- آزمون t تک نمونه‌ای برای سنجش بعد اجتماعی در محله فلاح

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار T	مقدار معناداری	حد پایین	حد بالا
آموزش عمومی	۲/۸۹	۰/۴۵۷	۳۷۳	-۴/۳۸	۰/۰۰۰	-۰/۱۵۰	-۰/۰۵۷
تفریحات و اوقات فراغت	۳/۱۳	۰/۴۹۱	۳۷۳	-۵/۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۸۴	۰/۱۸۴
ملاحظات و مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی	۳/۰۱	۰/۴۵۱	۳۷۳	۰/۷۸	۰/۴۳۱	-۰/۰۲۷	۰/۰۶۴
امنیت فردی و اجتماعی	۲/۹۸	۰/۵۱۱	۳۷۳	-۰/۶۸	۰/۴۹۲	-۰/۰۷۰	۰/۰۳۳
پیوستگی و تعلق مکان	۳/۰۸	۰/۴۹۱	۳۷۳	۳/۴۹	۰/۰۰۱	۰/۰۳۸	۰/۱۳۸
مشارکت و همبستگی	۳/۰۳	۰/۵۵۴	۳۷۳	۱/۰۸	۰/۲۸۰	-۰/۰۲۵	۰/۰۸۷

با توجه به نتایج جدول (۴)، مقدار سطح معناداری سه شاخص ملاحظات و مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی، امنیت فردی و اجتماعی و مشارکت و همبستگی به دلیل اینکه بیشتر از مقدار ۰/۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت در سطح ۵ درصد دارای میانگین متوسط می‌باشند به طوری که هر سه شاخص با حد بالای مثبت و حد پایین منفی می‌توان اعلام نمود که تفاوت معنی‌داری با میانگین متوسط ندارد و این موضوع نشانگر سطح متوسط برای این شاخص‌ها می‌باشد. در رابطه با سایر شاخص‌ها، شاخص‌های تفریحات و اوقات فراغت و پیوستگی و تعلق مکان با توجه به مقدار سطح معناداری تفاوت معناداری با میانگین متوسط دارند و با توجه به مقدار مثبت حد بالا و پایین می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت این دو شاخص مقداری بهتر از متوسط می‌باشد. درنهایت در رابطه با شاخص آموزش عمومی و با توجه به مقدار سطح معناداری آن و حد بالا و پایین منفی آن می‌توان نتیجه گرفت وضعیت این شاخص پایین‌تر از سطح متوسط می‌باشد. پس از ارزیابی شاخص‌های بعد اجتماعی، به ارزیابی شاخص‌های بعد اقتصادی پرداخته شده است که نتایج این ارزیابی در جدول شماره ۵ نشان داده شده است:

جدول ۵- آزمون t تک نمونه‌ای برای سنجش بعد اقتصادی در محله فلاح

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار T	مقدار معناداری	حد پایین	حد بالا
اشتغال و درآمد	۲/۸۷	۰/۴۵۴	۳۷۳	-۵/۲۸	۰/۰۰۰	-۰/۱۷۰	-۰/۰۷۸
مسکن	۳/۲۱	۰/۴۹۸	۳۷۳	۸/۳۱	۰/۰۰۰	۰/۱۶۳	۰/۲۶۵
کالاهای مصرفی	۳/۰۱	۰/۶۰۴	۳۷۳	۰/۶۲	۰/۵۳۱	-۰/۰۴۱	۰/۰۸۱

با توجه به نتایج جدول (۵)، مقدار سطح معناداری کالاهای مصرفی به دلیل اینکه بیشتر از مقدار ۰/۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت در سطح ۵ درصد دارای میانگین متوسط می‌باشد به طوری که با حد بالای مثبت و حد پایین منفی می‌توان اعلام نمود که تفاوت معنی‌داری با میانگین متوسط ندارد و این موضوع نشانگر سطح متوسط برای این شاخص می‌باشد. در رابطه با شاخص مسکن و اشتغال و درآمد، با توجه به مقدار سطح معناداری تفاوت معناداری با میانگین متوسط دارند به طوری که شاخص اشتغال و درآمد با حد بالا و پایین منفی، می‌توان نتیجه گرفت وضعیت این شاخص پایین‌تر از سطح متوسط بوده و شاخص مسکن با حد بالا و پایین مثبت می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت این شاخص مقداری بهتر از

متوسط می‌باشد. پس از ارزیابی شاخص‌های بعد اقتصادی، به ارزیابی شاخص‌های بعد کالبدی و زیست‌محیطی پرداخته شده است که نتایج این ارزیابی در جدول (۶) نشان داده شده است:

جدول ۶- آزمون t تک نمونه‌ای برای سنجش بعد کالبدی و زیست‌محیطی در محله فلاحت

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار T	مقدار معناداری	حد پایین	حد بالا
امکانات و خدمات زیربنایی	۲/۹۷	۰/۴۶۷	۳۷۳	-۱/۱۹	۰/۲۳۱	-۰/۰۷۶	۰/۰۱۸
حمل‌ونقل عمومی	۳/۱۳	۰/۶۱۶	۳۷۳	۴/۳۶	۰/۰۰۰	۰/۰۷۶	۰/۲۰۱
آلودگی و بهداشت محیطی	۳/۰۰	۰/۴۶۸	۳۷۳	-۰/۲۳	۰/۸۱۱	-۰/۰۴۱	۰/۰۵۳
چشم‌انداز	۳/۰۲	۰/۵۳۰	۳۷۳	۱/۰۷	۰/۲۸۴	-۰/۰۲۴	۰/۰۸۳
فضای سبز و بایر	۳/۰۴	۰/۵۷۷	۳۷۳	۱/۳۴	۰/۱۸۰	-۰/۰۱۸	۰/۰۹۸

با توجه به نتایج جدول (۶)، مقدار سطح معناداری چهار شاخص امکانات و خدمات زیربنایی، آلودگی و بهداشت محیطی، چشم‌انداز، فضای سبز و بایر به دلیل اینکه بیشتر از مقدار ۰/۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت در سطح ۵ درصد دارای میانگین متوسط می‌باشند به طوری که هر چهار شاخص با حد بالای مثبت و حد پایین منفی می‌توان اعلام نمود که تفاوت معنی‌داری با میانگین متوسط ندارد و این موضوع نشانگر سطح متوسط برای این شاخص‌ها می‌باشد. در رابطه با شاخص حمل‌ونقل عمومی، با توجه به مقدار سطح معناداری تفاوت معناداری با میانگین متوسط دارند و با توجه به مقدار مثبت حد بالا و پایین می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت این شاخص مقداری بهتر از متوسط می‌باشد. در نهایت برای ارزیابی وضعیت سطح زیست‌پذیری محله فلاحت به ارزیابی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و زیست‌محیطی پرداخته شده است که نتایج این آزمون در جدول (۷) نشان داده شده است:

جدول ۷- آزمون t تک نمونه‌ای برای سنجش سطح زیست‌پذیری در محله فلاحت

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار T	مقدار معناداری	حد پایین	حد بالا
اجتماعی	۳/۰۲	۰/۳۱۵	۳۷۳	۱/۵۳	۰/۱۲۵	-۰/۰۰۷	۰/۰۵۷
اقتصادی	۳/۰۳	۰/۳۴۳	۳۷۳	۲/۰۵	۰/۰۴۰	۰/۰۰۱	۰/۰۷۱
کالبدی و زیست‌محیطی	۳/۰۲	۰/۳۷۹	۳۷۳	۱/۸۹	۰/۰۶۰	-۰/۰۰۱	۰/۰۷۵

با توجه به نتایج جدول (۷)، ابعاد اجتماعی و کالبدی و زیست‌محیطی با سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ و حد بالای مثبت و حد پایین منفی در وضعیت متوسطی قرار دارد و شاخص اقتصادی با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و حد بالا و پایین مثبت مقداری از سطح متوسط بالاتر می‌باشد. با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت که سطح زیست‌پذیری محله فلاحت در حد متوسط قرار دارد که نیازمند ارائه راهکارهایی در راستای بهبودی وضعیت زیست‌پذیری می‌باشد. در جهت ارائه راهکارهای تقویتی به رتبه‌بندی شاخص‌های هر یک از ابعاد موردبررسی با استفاده از آزمون فریدمن پرداخته شده است تا بر اساس الویت راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت هر یک از شاخص‌ها ارائه گردد. در این راستا در ابتدا به رتبه‌بندی بعد اجتماعی پرداخته شده است. نتایج این ارزیابی در جداول (۸ و ۹) نشان داده شده است:

جدول ۸- آزمون فریدمن در جهت رتبه‌بندی شاخص‌های بعد اجتماعی

شاخص‌ها	تعداد داده‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین رتبه‌ای
آموزش عمومی	۳۷۴	۲/۸۹	۰/۴۵۷	۳/۰۴
تفریحات و اوقات فراغت	۳۷۴	۳/۱۳	۰/۴۹۱	۳/۹۰
ملاحظات و مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی	۳۷۴	۳/۰۱	۰/۴۵۱	۳/۵۰
امنیت فردی و اجتماعی	۳۷۴	۲/۹۸	۰/۵۱۱	۳/۲۲

۳/۷۷	۰/۴۹۱	۳/۰۸	۳۷۴	پیوستگی و تعلق مکان
۳/۵۷	۰/۵۵۴	۳/۰۳	۳۷۴	مشارکت و همبستگی

جدول ۹- آزمون فریدمن در جهت رتبه‌بندی شاخص‌های بعد اجتماعی

۳۷۴	تعداد داده
۵۷/۲۱۷	مجذور کای
۵	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

با توجه به نتایج جدول (۹)، مقدار سطح معناداری کمتر از $0/05$ می‌باشد که این موضوع نشان‌دهنده یکسان نبودن رتبه‌بندی می‌باشد. همچنین با توجه به جدول (۸) و نتایج میانگین رتبه‌ای دو شاخص آموزش عمومی و امنیت فردی و اجتماعی در آخرین رتبه‌بندی این آزمون قرار گرفته‌اند که نیازمند توجه ویژه‌ای می‌باشند.

پس از ارزیابی رتبه‌بندی شاخص‌های اجتماعی، به رتبه‌بندی شاخص‌های اقتصادی پرداخته شده است که نتایج این آزمون در جداول (۱۰ و ۱۱) نشان داده شده است:

جدول ۱۰- آزمون فریدمن در جهت رتبه‌بندی شاخص‌های بعد اقتصادی

شاخص‌ها	تعداد داده‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین رتبه‌ای
اشتغال و درآمد	۳۷۴	۲/۸۷	۰/۴۵۴	۱/۷۲
مسکن	۳۷۴	۳/۲۱	۰/۴۹۸	۲/۳۰
کالاهای مصرفی	۳۷۴	۳/۰۱	۰/۶۰۴	۱/۹۸

جدول ۱۱- آزمون فریدمن در جهت رتبه‌بندی شاخص‌های بعد اقتصادی

۳۷۴	تعداد داده
۶۸/۱۸۲	مجذور کای
۲	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

با توجه به نتایج جدول (۱۱)، مقدار سطح معناداری کمتر از $0/05$ می‌باشد که این موضوع نشان‌دهنده یکسان نبودن رتبه‌بندی می‌باشد. همچنین با توجه به جدول شماره ۱۰ و نتایج میانگین رتبه‌ای اشتغال و درآمد در آخرین رتبه‌بندی این آزمون قرار گرفته است که نیازمند توجه ویژه‌ای می‌باشند. سپس به ارزیابی نتایج رتبه‌بندی شاخص‌های بعد کالبدی و زیست‌محیطی پرداخته شده است که نتایج این ارزیابی در جداول (۱۲ و ۱۳) نشان داده شده است:

جدول ۱۲- آزمون فریدمن در جهت رتبه‌بندی شاخص‌های بعد کالبدی و زیست‌محیطی

شاخص‌ها	تعداد داده‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین رتبه‌ای
امکانات و خدمات زیربنایی	۳۷۴	۲/۹۷	۰/۴۶۷	۲/۷۵
حمل‌ونقل عمومی	۳۷۴	۳/۱۳	۰/۶۱۶	۳/۳۸
آلودگی و بهداشت محیطی	۳۷۴	۳/۰۰	۰/۴۶۸	۲/۹۰
چشم‌انداز	۳۷۴	۳/۰۲	۰/۵۳۰	۲/۹۰
فضای سبز و بایر	۳۷۴	۳/۰۴	۰/۵۷۷	۳/۰۶

جدول ۱۳- آزمون فریدمن در جهت رتبه‌بندی شاخص‌های بعد کالبدی و زیست‌محیطی

۳۷۴	تعداد داده
۳۶/۷۲۳	مجذور کای

درجه آزادی	۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۱۳)، مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد که این موضوع نشان‌دهنده یکسان نبودن رتبه‌بندی می‌باشد. همچنین با توجه به جدول شماره ۱۲ و نتایج میانگین رتبه‌ای سه شاخص امکانات و خدمات زیربنایی، آلودگی و بهداشت محیطی و چشم‌انداز در آخرین رتبه‌بندی این آزمون قرار گرفته‌اند که نیازمند توجه ویژه‌ای می‌باشند. پس از ارزیابی رتبه‌بندی شاخص‌های ابعاد زیست‌پذیری به رتبه‌بندی خود ابعاد زیست‌پذیری در محدوده محله فلاحت پرداخته شده است. نتایج این ارزیابی در جداول (۱۴ و ۱۵) نشان داده شده است:

جدول ۱۴- آزمون فریدمن در جهت رتبه‌بندی ابعاد زیست‌پذیری

شاخص‌ها	تعداد داده‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین رتبه‌ای
اجتماعی	۳۷۴	۳/۰۲	۰/۳۱۵	۱/۹۴
اقتصادی	۳۷۴	۳/۰۳	۰/۳۴۳	۲/۰۲
کالبدی و زیست‌محیطی	۳۷۴	۳/۰۲	۰/۳۷۹	۲/۰۴

جدول ۱۵- آزمون فریدمن در جهت رتبه‌بندی ابعاد زیست‌پذیری

تعداد داده	۳۷۴
مجذور کای	۱/۸۳۹
درجه آزادی	۲
سطح معناداری	۰/۳۹۹

با توجه به نتایج جدول (۱۵)، مقدار سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین بین سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و زیست‌محیطی در این محدوده رتبه‌بندی یکسانی دارند.

نتیجه‌گیری

سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل رشد دیمی و بدون برنامه‌ریزی مدون با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند به طوری که این سکونتگاه‌ها از سرانه‌های خدماتی پایین رنج می‌برند و فضایی برای گذران اوقات فراغت ندارند. هدف اصلی این پژوهش ارزیابی ادراک ذهنی افراد از وضعیت تأمین نیازهای زیستی و به‌طور کلی سطوح زیست‌پذیری در محله فلاحت می‌باشد. این محله به دلیل کم‌برخوردار بودن، شرایط زندگی نابسامانی دارد و از طرفی حس محرومیت شدیدی در آن حاکم است.

یافته‌های پژوهش نشانگر این است که با توجه به نتایج آزمون t تک نمونه‌ای، در بعد اجتماعی سه شاخص ملاحظات و مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی، امنیت فردی و اجتماعی و مشارکت و همبستگی دارای سطح متوسطی از زیست‌پذیری هستند. شاخص‌های تفریحات و اوقات فراغت و پیوستگی و تعلق مکان وضعیت بهتری از سطح متوسط زیست‌پذیری دارند و در نهایت شاخص آموزش عمومی در سطح پایین‌تر از متوسط زیست‌پذیری قرار دارد. در بعد اقتصادی شاخص کالاهای مصرفی دارای سطح متوسط، شاخص مسکن دارای وضعیت بهتری از متوسط و شاخص اشتغال و درآمد در سطح پایین‌تر از متوسط زیست‌پذیری قرار دارند. در بعد کالبدی و زیست‌محیطی نیز چهار شاخص امکانات و خدمات زیربنایی، آلودگی و بهداشت محیطی، چشم‌انداز، فضای سبز و بایر دارای سطح متوسط و شاخص حمل‌ونقل عمومی دارای وضعیت بهتری از متوسط سطح زیست‌پذیری را دارد. به‌طور کلی ابعاد اجتماعی و کالبدی و

زیست‌محیطی در وضعیت متوسط و شاخص اقتصادی دارای وضعیت بهتری از متوسط سطح زیست‌پذیری می‌باشد. این موضوع نشانگر متوسط بودن وضعیت سطح زیست‌پذیری در محله فلاحت از نظر ساکنین محله می‌باشد. در رابطه با رتبه‌بندی شاخص‌ها و ابعاد زیست‌پذیری از آزمون فریدمن استفاده شده است. مطابق نتایج این آزمون، در بعد اجتماعی دو شاخص آموزش عمومی و امنیت فردی و اجتماعی؛ در بعد اقتصادی شاخص اشتغال و درآمد و در نهایت در بعد کالبدی و زیست‌محیطی سه شاخص امکانات و خدمات زیربنایی، آلودگی و بهداشت محیطی و چشم‌انداز در رتبه‌های آخر این ارزیابی قرار گرفته‌اند. همچنین ابعاد زیست‌پذیری ارزیابی شده دارای رتبه‌بندی یکسانی می‌باشند و تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. به دلیل نبود پژوهش در راستای ارزیابی میزان زیست‌پذیری در محله فلاحت تا به امروز، امکان مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌ها مقدور نمی‌باشد.

پیشنهادها

با توجه به مطالعات صورت گرفته و نتایج به دست آمده در راستای بهبود شرایط زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه بر اساس سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و زیست‌محیطی پیشنهادهایی در ذیل ارائه گردیده است. در راستای بهبودی وضعیت دو شاخص آموزش عمومی و امنیت فردی و اجتماعی در بعد اجتماعی پیشنهادهای ذیل مطرح می‌گردد:

- ارتقاء سطح سرانه فضای آموزشی محله و بهسازی تجهیزات مدارس موجود در راستای تحقق عدالت فضایی
 - به کار گرفتن معلمان و اساتید خیره و باتجربه
 - افزایش روشنایی معابر محله در جهت افزایش امنیت تردد در شب
 - شناسایی نقاط کنج محله و استفاده از دوربین‌های امنیتی در جهت کنترل امنیت
- در راستای بهبودی وضعیت شاخص اشتغال و درآمد در بعد اقتصادی پیشنهادهای ذیل مطرح می‌گردد:
- جلب توجه سرمایه‌گذارهای خارج از محله با ارائه طرح‌های جذاب
 - ایجاد و احداث بازارچه‌های محلی در جهت فروش صنایع‌دستی محله
 - ایجاد و احداث کارگاه‌های فرش‌بافی در جهت اشتغال‌زایی ساکنین محله
- در راستای بهبودی وضعیت سه شاخص امکانات و خدمات زیربنایی، آلودگی و بهداشت محیطی و چشم‌انداز در بعد کالبدی و زیست‌محیطی پیشنهادهای ذیل مطرح می‌گردد:
- ارزیابی سرانه‌های خدماتی سکونتگاه‌های غیررسمی و تأمین خدمات مورد نیاز این سکونتگاه‌ها
 - برگزاری کارگاه‌های بهداشت عمومی و فردی توسط سازمان مدیریت پسماند و پایگاه‌های بهداشت
 - توجه به ساخت‌وسازها بر اساس اصول، ضوابط و قواعد معماری - شهرسازی در جهت جلوگیری از آشفستگی فضایی در این محلات
 - بهبود وضعیت معابر محله از طریق ایجاد سیستم کانال دفع آب‌های سطحی، لکه‌گیری و آسفالت معابر و اتصال شبکه فاضلاب شهری به معابر این محله.

References:

- برزگر، صادق؛ حیدری، تقی؛ انبارلو، علیرضا (۱۳۹۸). *تحلیل سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد زیست‌پذیری (مورد مطالعه: محلات غیررسمی شهر زنجان)*. فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۱۳۷-۱۵۲.
- بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۹). *تحلیل تطبیقی تأثیر شکل شهر بر مؤلفه‌های محیطی زیست‌پذیری در مناطق منتخب شهر تهران*. معماری و شهرسازی پایدار، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۶۳.
- بندرآبادی، علیرضا؛ شاهچراغی، آزاده (۱۳۹۰). *شهر زیست‌پذیر از مبانی تا معانی*. انتشارات آذرخش، چاپ اول.
- پریزادی، طاهر؛ مرادی، مهدی؛ ساکی، معصومه (۱۳۹۸). *تحلیل زیست‌پذیری در محله‌های بخش مرکزی شهرها (مورد: بخش مرکزی شهر بروجرد)*. فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۳-۱۶.
- پوراحمد، احمد؛ ابدالی، یعقوب؛ الله قلی پور، سارا (۱۳۹۹). *تحلیل فضایی آثار حکمروایی مطلوب بر زیست‌پذیری شهری مطالعه موردی: کانون‌های جرم خیز مناطق ۱۱ و ۱۲ شهر تهران*. فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۸۳-۱۰۴.
- پوراحمد، احمد؛ دربان آستانه، علیرضا؛ زنگنه شهرکی، سعید؛ پورقربان، شیوا (۱۳۹۹). *ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱-۲۲*.
- تولایی، روح‌الله؛ زمانی، بهادر؛ ایران‌دوست، کیومرث (۱۳۹۸). *سنجش و ارزیابی سطح پایداری در سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از مدل جای پای بوم‌شناختی (مورد شناسی: محله عباس‌آباد بالاشهر سنندج)*. فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۱-۱۴.
- تیبالز، فرانسیس (۱۳۹۳). *شهرهای انسان‌محور: بهبود محیط عمومی در شهرهای بزرگ و کوچک*. ترجمه دکتر حسن علی لقای و مهندس فیروزه جدلی، انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری اسدآبادی، حمزه (۱۳۹۲). *بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایداری شهری: مورد مطالعه کلان‌شهر تهران*. دانشگاه خوارزمی، دانشکده جغرافیا، گروه برنامه‌ریزی شهری.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ محمدی کاظم آبادی، لیلیا (۱۳۹۶). *سنجش رضایتمندی از شاخص‌های کیفیت زندگی در شهرهای جدید مطالعه موردی: شهر جدید مهاجران*. مجله آمایش جغرافیای فضا، دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۵۳-۶۸.
- حبیبی، میترا؛ گرامی، نیلوفر (۱۳۹۷). *چگونگی استفاده از فضاهای شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی مورد پژوهی: جداره*. شرقی بزرگراه چمران تهران (حداصل پل ماصدرا و پل مدیریت). فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۱۶۳-۱۷۴.
- حکمت نیا، حسن؛ ملکی، محمد؛ موسوی، میرنجف؛ افشانی، علیرضا (۱۳۹۶). *سنجش میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران (مطالعه موردی: شهر ایلام)*. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۳، صص ۶۰۷-۶۱۹.

حیدری، محمدتقی؛ شماعی، علی؛ ساسان پور، فرزانه؛ سلیمانی، محمد؛ احدنژاد روشنی، محسن (۱۳۹۶). **تحلیل عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان)**. فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، دوره ۱۷، شماره ۵۷، صص ۱-۲۵.

خراسانی، محمدامین؛ رضوانی، محمدرضا؛ مولایی قلیچی، محمد (۱۳۹۴). **تحلیل تأثیر متغیرهای فردی بر ادراک از زیست‌پذیری در روستاهای پیرامون شهر (مطالعه موردی: شهرستان ورامین)**. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۱۵۹-۱۸۱.

خراسانی‌زاده، فرنوش؛ صابری، حمید؛ مؤمنی، مهدی؛ موسوی، میر نجف (۱۳۹۹). **تبیین ساختاری عوامل مؤثر بر سرزندگی در فضاهای عمومی شهری اصفهان از دیدگاه شهروندان و گردشگران**. نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، دوره ۲۴، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۸۱.

رجائی، سید عباس؛ عباسی فلاح، وحید؛ نجفی، اسماعیل (۱۳۹۸). **ارزیابی تطبیقی شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ورامین**. آمایش محیط، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۴۹-۱۷۶.

رشیدی ابراهیم حساری، اصغر؛ موحد، علی؛ تولایی، سیمین؛ موسوی، میرنجف (۱۳۹۵). **تحلیل فضایی منطقه کلان‌شهری تبریز با رویکرد زیست‌پذیری**. فضای جغرافیایی، دوره ۱۶، شماره ۵۴، صص ۱۵۵-۱۷۶.

رضایی، میثم؛ بلاغی، رسول؛ شمس‌الدینی، علی؛ شاعر، فاطمه؛ ماندنی، سعید (۱۳۹۵). **ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشینی در کلان‌شهرها (مطالعه موردی: محلات حاشیه‌نشین شهر شیراز)**. فصل‌نامه جغرافیایی سرزمین، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صص ۵۷-۷۵.

ساسان پور، فرزانه؛ تولایی، سیمین؛ جعفری اسدآبادی، حمزه (۱۳۹۳). **قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهر تهران)**. نشریه جغرافیا، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صص ۱۲۹-۱۵۷.

شیبانی مقدم، فرشته؛ سرور، رحیم؛ اسدیان، فریده (۱۳۹۸). **ارزیابی میزان موفقیت طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان**. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۲۰۳-۲۱۶.

علی اکبری، اسماعیل؛ مرصوسی، نفیسه؛ اکبری، مجید (۱۳۹۹). **آسیب‌شناسی فرا روش پژوهش‌های زیست‌پذیری در مقیاس کلان‌شهرهای ایران**. جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص ۸۵-۱۰۶.

ماجدی، حمید؛ بندرآبادی، علیرضا (۱۳۹۳). **بررسی معیارهای جهانی و بومی شهر زیست‌پذیر**. مجله هویت شهر، دوره ۸، شماره ۱۷، صص ۶۵-۷۶.

محمدی استادکلایه، امین؛ خراسانی، محمد امین؛ پهلوان‌زاده، حمیده (۱۳۹۶). **تحلیل و سنجش آثار اسکان مجدد بر زیست‌پذیری جوامع روستایی (مطالعه موردی روستاهای سیل زده شرق استان گلستان)**. فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۳۶، شماره ۱۶۰، صص ۵۹-۷۰.

محمدی ده‌چشمه، پژمان (۱۳۹۹). **بررسی وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در شهرکرد بر مبنای جایگاه مدیریت شهری**. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۲۰، شماره ۵۷، صص ۲۰۵-۲۲۲.

محمدی ده چشمه، پژمان (۱۳۹۸). *تدوین استراتژی‌های راهبردی برای زیست‌پذیری شهرکرد بر مبنای نقش مدیریت شهری*، توسعه پایدار محیط جغرافیایی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۸۱-۹۶.

مختاری، مریم؛ وحیدزاده، علیرضا؛ مردای، رامین (۱۳۹۷). *موانع توسعه اقتصادی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر کرمان با استفاده از نظریه‌ی زمینه‌ای*. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۳۳-۶۴.

مومن پورعلی‌آباد احد؛ ذاکر حقیقی، کیانوش (۱۳۹۷). *ارزیابی پایداری اجتماعی ذهنی در میان شهروندان سکونتگاه غیررسمی حصار امام شهر همدان*. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۶۷۹-۶۹۶.

مومنی، احمد؛ جهانگیری، ماندانا؛ عزمی، آئیژ (۱۳۹۹). *اثرات حکمروایی خوب بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های پیراشهری در دهستان آدران*. مجله توسعه فضاهای پیراشهری، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۹۳-۲۰۵.

مهره کش، ریحانه؛ صابری، حمید؛ مومنی، مهدی؛ اذنی، مه‌ری (۱۳۹۸). *تعیین عوامل مؤثر کالبدی بر میزان زیست‌پذیری مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق شهر اصفهان)*. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۷، شماره ۲، صص ۴۱۱-۴۲۹.

ویسی‌ناب، برهان؛ بابایی آقدم، فریدون؛ قربانی، رسول (۱۳۹۸). *شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مرتبط با بعد اقتصادی زیست‌پذیری شهری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز)*. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۲۷-۱۴۹.

Badland, H., Pearce, J (2019). *Liveable for whom? Prospects of urban liveability to address health inequities*. Social Science & Medicine, Volume 232, pp. 94-105.

Blassingame, L (1998). *Sustainable cities: oxymoron, utopia, or inevitability?* Social Science Journal Vol 35, pp. 1-13.

Clark, D (2009). *Urban world, world city*. (Mehdi Gharkhlou & Forough Khazainejad, translators). Tehran: Selection Publishing.

Douglass, M et al (2006). *The livability of mega-urban regions in Southeast Asia- Bangkok, Ho Chi Minh City, Jakarta and Manila compared*. International Conference on The Growth Dynamics of Mega-Urban Regions in East and Southeast Asia, pp. 24 – 47.

Economist (2005). *The Economist Intelligence Unit's quality-of-life index*.

Elliott, D (2008). *A Better Way to Zone: Ten Principles to Create More Livable Cities*. Bibliovault OAI Repository, the University of Chicago Press.

Ghazi, N. M., Zaynab Radi, A (2019). *Toward liveable commercial streets: A case study of Al-Karada inner street in Baghdad*. Heliyon, Volume 5, Issue 5, pp. 1-11.

Hooper, P., Foster, S., Bull, F., Knuiman, M., Christian, H., Timperio, A., Wood, L., Trapp, G., Boruff, B., Francis, J., Strange, C., Badland, H., Gunn, L., Falconer, R., Learnihan, V., McCormack, G., Sugiyama, T., Giles-Corti, B (2020). *Living liveable? RESIDE's evaluation of the "Liveable Neighborhoods" planning policy on the health supportive behaviors and wellbeing of residents in Perth, Western Australia*. SSM - Population Health, Volume 10, pp. 1-19.

Istrate, A. L., Chen, F (2021). *Liveable streets in Shanghai: Definition, characteristics and design*. Progress in Planning.

- Jalaladdini, S., Oktay, D (2012). *Urban Public Spaces and Vitality: A Socio-Spatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns*. Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 35, pp. 664-674.
- Kennedy, R.J., Buys, L (2010). *Dimension of livability: A Tool for Sustainable Cities*. In proceedings of SB10mad Sustainable Building conference.
- Khomenko, S., Nieuwenhuijsen, M., Ambròs, A., Wegener, S., Mueller, N (2020). *Is a liveable city a healthy city? Health impacts of urban and transport planning in Vienna, Austria*. Environmental Research, Volume 183.
- Landry, Charles, (2000), *Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness*, Prince Claus Fund Journal, Arches Issue Urban Vitality/ Urban Heroes.
- Larice, M, Z, (2005), “*great neighborhoods: the livability and morphology high density neighborhoods in urban north America*”, PHD.
- Leach, J. M. et al (2017). *Improving City-Scale Measures of Livable Sustainability: A Study of Urban Measurement and Assessment Through Application to the City of Birmingham*. UK, Cities 71, pp. 80-87.
- Mercer, (2019). *VIENNA TOPS MERCER'S 21ST QUALITY OF LIVING RANKING*.
- Norouzian-Maleki, S., Bell, S., Hosseini, S. B, Faizi, M., Saleh-Sedghpour, B (2018). *A comparison of neighbourhood liveability as perceived by two groups of residents: Tehran, Iran and Tartu, Estonia*. Urban Forestry & Urban Greening, Volume 35, pp. 8-20.
- Norris, T., Mary, P (2000). *The health community's movement and the coalition for healthier cities and communities*. Public Health Reports, pp. 115:118-124.
- Oberlink, M. R (2008). *Opportunities for creating livable communities*. AARP, Public Policy Institute.
- Okulicz, A (2012). *City Life: Rankings (Livability) vs Perceptions (Satisfaction)*. This Version: Saturday 17th Marc.
- Paul, A., Sen, J (2020). *A critical review of liveability approaches and their dimensions*. Geoforum, Volume 117, pp. 90-92.
- Perogordo Madrid, D (2007). *The Silesia MegaPolis*. European Spatial Planning.
- Shamsuddin, S., Abu Hassanb, N., Bilyamin, S (2012). *Walkable Environment in Increasing the Liveability of a City*. ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies. Bangkok, Thailand, 16-18 July 2012, Procedia - Social and Behavioral Sciences 50 (2012), pp. 167 –178.
- Skalicky, V., Čerpes, I (2019). *Comprehensive assessment methodology for liveable residential environment*, Cities, Volume 94, pp. 44-54.
- Song, y (2011). *A livable city study in china: using structural Equation models*. Ph.D, thesis submitted in statistics, department of statistics Uppsala university.
- Timmer, V., Seymoar, N.k (2005). *The Livable City*. Proceedings of The World Urban Forum 2006, (pp.45-65). Vancouver, Canada: International Centre for Sustainable cities.